



سکولاریسم در جهان عرب

مروری بر یازده کتاب در موضوع سکولاریسم

حمیدرضا شریعتمداری

اشاره:

سکولاریسم که در جهان عرب مرادف با واژه «علمانیت» می‌باشد، دهها سال بسیاری از متفکران اجتماعی و صاحب‌نظران دینی را درگیر مباحث خود کرده و تاکنون صدها عنوان کتاب و چند برابر مقاله را به خود اختصاص داده است و متفکران مسلمان تلاش کرده‌اند کاستیهای مبانی سکولاریسم و ناسازگاری آن با نقش دین در جامعه و حیات انسانی را تبیین کنند و در این میان برخی نویسندگان و نظریه‌پردازان معاصر نیز مقهور و مجذوب تهاجم سنگین و گسترده غرب در کشاندن دین به حیات فردی و جدایی آن از جامعه و سیاست شده و به قصور یا تقصیر به ترویج شخصی بودن دین‌باوری و حوزه دخالت آن و بیرون بردن آن از مدار تنظیم مناسبات اجتماعی و مدیریت سیاسی پرداخته‌اند. آنچه می‌خوانید مروری بر یازده کتاب عمده در تبیین سکولاریسم و تحلیل و نقد مبانی و سیر تاریخی آن در برخی کشورهای عربی می‌باشد. این مرور، علاوه بر اینکه می‌تواند صورتی اجمالی از مباحث سکولاریسم به ویژه در جهان عرب را نشان دهد، برای شناخت و ارزیابی منابع مطالعاتی در این موضوع، می‌تواند مفید افتد.

✓ مصر در میان حکومت اسلامی و حکومت سکولار

[=دنیاگروانه]

□ شناسنامه: گروهی از نویسندگان، مصر بین الدولة الاسلامیة و الدولة

العلمانية، چاپ اول، ۱۹۹۲، قاهره، مرکز الاعلام العربی، ۱۲۶ صفحه

معرفی اجمالی:

این کتاب گزارشی است تفصیلی از مناظره‌ای مهم میان چهره‌های اسلامگرا و سکولار که به شدت مورد استقبال مردم قرار گرفت. تصاویر آمده در کتاب گویای این امر است که طرف اسلامگرا شامل مرحوم شیخ محمد غزالی عالم معروف مصری، محمد مأمون هضیبی سخنگوی اخوان المسلمین مصر و دکتر محمد عماره فارغ‌التحصیل الازهر در رشته فلسفه و نویسنده معروف اسلامگرا و در طرف سکولار دکتر محمد خلف‌الله نویسنده معروف علمانی و سردبیر مجله الوحدة چاپ قاهره و دکتر فرج فوده مدافع جنجالی و سرسخت سکولاریزم و مؤسس حزب المستقبل مصر می‌باشد.

این مناظره توسط شورای نویسندگان مصر ترتیب داده شد و اداره آن بر عهده رئیس این شورا دکتر سمیر سرحان بوده است.

طرف اسلامگرا تأکید دارد که استقلال، تشخیص و هویت ما در گرو برگشت به میراث آسمانی است. مادر پی حکومت اسلامی‌ای هستیم که نیمی از آن بر اساس وحی الهی و نیم دیگر آن بر اساس حکم عقل از راه قیاس و استحسان اداره شود. شورای غربی به ترخیص زنا و همجنس‌بازی منتهی می‌شود. احکام آمده در قرآن گویای آن است که اسلام ترکیبی از دین و دولت است. چه کسی موافق این پندار است که حضرت محمد حکومتی را بر پا نداشت. تشکیل حکومت و وظیفه‌ای است مدنی که بدون وظایف دینی به پا داشته نمی‌شود. میان ما و غربیها این تفاوت جدی وجود دارد که آنان زمانی بنا به دین مسیحیت حکم می‌رانندند که عقب‌مانده و واپس‌گرا بودند اما تجربه ما در حکومت اسلامی زمانی تحقق پذیرفت که در اوج سیادت، مدنیت و پیشرفت بودیم. پس میان مدنیت و اسلامیت حکومت، تباینی نیست.

حکومت اسلامی با اقلیتها رفتار شایسته‌ای دارد. هم اکنون اقلیت قبطی در مصر خوشبخت‌ترین اقلیت دینی در دنیا هستند به طوری که دبیر کل سازمان ملل [پطرس غالی] از میان آنان برگزیده شده است.





ما مخالف دولت دینی‌ای هستیم که مدعی سخن گفتن از طرف خدا یا در انحصار طبقه دینی خاصی باشد. ماکهنوت [طبقه خاص روحانی بسان مسیحیت] نداریم؛ شکل‌گیری حکومت نیز از طریق انتخابات است نه بیعت.

سکولارها بر این باورند که قرآن مسؤولیت پیامبر را «مبلغ عن الله و داعی الی الله» دانسته است نه حاکم و زمامدار و شریعت اسلامی روابط مردم با همدیگر را تنظیم می‌کند؛ چنین چیزی نمی‌تواند بنیانگذار حکومت و نظام آن باشد. حکومت نیازمند برنامه تفصیلی و دقیق است. چنین برنامه‌ای نزد اسلام‌گرایان دیده نمی‌شود. پیش‌درآمد حکومت اسلامی مورد نظر اسلام‌گراها خونریزی و فتنه‌انگیزی بوده است. همین مناظره از نتایج دولت مدنی و علمانی است. یکپارچگی وطن و تمدن اقتضای حاکمیت دینی را دارد. دولت مدنی و علمانی در نظر ما یعنی دولت شهروندی. ما منکر رییس حکومت بودن پیامبر اکرم نیستیم اما این ناشی از نص الهی نبوده بلکه ناشی از آن است که او بنیانگذار جامعه اسلامی بوده است. خلافت یعنی برای همه عمر خلیفه بودن که تنها در صورت ناشایست بودن، عزل یا کشته می‌شود. در نظام‌های دموکرات مدت ریاست محدود است و با روش‌های تبلیغی و سیاسی قابل مقابله است، نه از راه کشتن و انقلاب و فتنه. واقعاً اسلام در مسند حکومت بازمانه و با حکومت به معنای امروزی آن چگونه قابل تطبیق و هماهنگی است!

در پایان کتاب، تعلیقات برخی از اندیشمندان مصری و غیر مصری بر مناظره فوق آمده است. دکتر احمد عبدالرحمن، دمر داش عقالی، زینب غزالی، رزق الطویل رییس دانشکده مطالعات اسلامی در الازهر، صافی ناز کاظم روزنامه‌نگار و نویسنده معروف، سر تیپ طلعت مسلم استاد آکادمی نظامی ناصر، شیخ طه عبدالله عیفی، عبدالصبور شاهین [ناقد معروف نصر حامد ابوزید] از این تعلیقه‌نویسان هستند. اینان همه با عبارات مختلف در رد علمانیت نوشته‌اند و تعدادی از آنان اساساً علمانیها را شایسته بحث و گفت و گو ندانسته و از این جهت بر اسلام‌گراها خرده گرفته‌اند.

محمد عماره برداشتهای خود از این مناظره و چند مناظره مشابه و توضیحات و استدالات خود را به طور مبسوط در کتاب «الاسلام و السياسة، الرد علی شبهات العلمانیین» آورده است که اجمالی از این کتاب را نیز در ادامه خواهیم آورد.

ارزیابی:

کتابهای دیگری هستند که به طور مبسوط تر و جامع تر دیدگاه اسلامگراها و علمانیها را طرح کرده‌اند.

✓ علمانیت در مصر میان نزاعهای دینی و سیاسی

□ شناسنامه کتاب: احمد نایل، صابر، العلمانية في مصر بين الصراع الديني و السياسي، چاپ اول، ۱۹۹۹، مرکز الدراسات و المعلومات القانونية لحقوق الانسان، قاهره، ۲۴۸ صفحه.

معرفی اجمالی کتاب:

این کتاب به تبیین اندیشه علمانی و عمدتاً تحولات آن در نیمه اول قرن بیستم در مصر می‌پردازد. صابر نایل بر این باور است که جوامع اسلامی به علمانیت نیاز مبرم دارند. وی در فصل نخست کتاب به موضوعات و مسایل علمانیت از قبیل تعلیم و تربیت سکولار و تحقیقات علمی سکولار می‌پردازد. موضوعات خلافت، آزادی زن، ناسیونالیسم مصری و عربی نیز در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

احمد نایل «علمانیت» را به معنای غیر دینی می‌داند نه بی‌دینی و آن را با «علمانیت» یا سیانتیسیزم متفاوت می‌داند. اما میان علم‌گرایی و علمانیت ارتباطی و وثیق قایل است همچنان که به دلیل توجه فلسفه‌های مادی به عالم خارجی و محسوس میان علمانیت و فلسفه‌های مادی نیز ارتباط قایل است. هر چند معتقد است در جوامع غیر مادی نیز نظام علمانی متصور است و در مبانی میان آنها ناسازگاری نیست بلکه به تعبیری، علمانی معنویت‌گراست چون عالم را جولانگاه فعالیت و اراده انسانی می‌داند نه آنکه عالم را منحصراً مادی بدانند. وی علمانیت را از مشکلات مسلمانان نمی‌داند چون به نظر وی در اسلام نه حاکمیت روحانی و قدسی وجود دارد و نه مقامات و شخصیت‌های قدسی و علمانیت نیز یعنی زدودن قدسیت از حیات اجتماعی. وی علمانیت را دارای بعد ایجابی نمی‌داند بلکه آن را تنها دارای حیثیت سلبی می‌داند یعنی سلب اعمال نظر و تقنین به نام خدا و بهترین معادل آن را در عربی السلطة الزمنية (یعنی حاکمیت دنیایی و زمانمند) می‌داند.

مؤلف تحقیقات، آکادمیک را مجرای برای بروز و ظهور علمانیت دانسته است و از این رو





سه اثر تحقیقی و آکادمیک را منشأ بروز علمانیت در مصر در نیمه اول قرن بیستم دانسته است: یکی رساله دکترای منصور فهمی در باره وضعیت زن در سنت اسلامی. وی در این اثر تلویحاً از اختصاص تعدد زوجات (بیشتر از چهار همسر) به پیامبر و عدم وجود مهر و شهود برای پیامبر انتقاد می‌کند. وی به خاطر این کتاب که هرگز از فرانسه به عربی ترجمه نشد محرومیت‌های بسیاری کشید و به زودی دیدگاه‌های خود را پس گرفت.

کتاب «فی الشعر الجاهلی» اثر طه حسین، دومین اثر جنجالی‌ای است که مؤلف خود را به اخراج از دانشگاه سوق داد؛ هر چند وی بعدها به وزارت معارف مصر رسید. وی بسیاری از آثار و اشعار جاهلی را خلق شده دوران اسلامی و نسبت داده شده به جاهلیت دانسته است که بیشتر گرایش‌های غیر اسلامی مسلمانان را می‌رساند. وی وجود تاریخی ابراهیم و اسماعیل و نیز نسبت عرب فعلی به اسماعیل را از نگاه علمی نمی‌پذیرد و اشاره قرآن و عهدین به آنها را مستندی تاریخی برای اثبات وجود تاریخی آنها نمی‌داند.

اثر بحث‌انگیز سوم کتاب «الفن و القصة، فی الاسلام»، اثر محمد احمد خلف الله است. وی بر این باور است که قصص قرآن را باید از منظر بلاغی مورد توجه قرار داد نه از منظر تاریخی تا زمینه برای طعن و نقض مستشرقان فراهم آید. شیخ الازهر کلمات خلف الله را کفرآمیز دانست. وی از منصب علمی خود در دانشگاه برکنار شد و مجبور شد تری دیگر را برای احراز دکترا ارائه کند. کتاب «الاسلام و اصول الحكم» اثر علی عبدالرزاق نیز پس از کتابهای فوق کاری بحث‌انگیز و زمینه‌ساز اندیشه سکولار بوده است به ویژه آنکه عبدالرزاق از مشایخ و علمای الازهر بوده است؛ هر چند از این منصب عزل شد. وی حکومت را امری دنیوی و در اختیار مردم می‌داند و حکومت پیامبر را از شؤون پیامبری وی نمی‌داند و خلافت را ساخته و پرداخته دنیاطلبان بعدی می‌شمارد و ابوبکر را نه جانشین پیامبر که اولین ملوک و پادشاه اسلام می‌داند. به نظر وی رسالت پیامبر، تنها ابلاغ و تبلیغ وحی بوده است. در برابر عبدالرزاق، حکومت، الازهر و روحانیت مصر به ویژه رشید رضا صاحب المنار ایستادند. تنها مجموعه الاحرار الدستورین [آزادگان قانوننگر] و روزنامه السیاسة نشریه محمد حسنین هیکل از او دفاع کردند.

کتاب «الشریف الرضی» اثر محمد سید گیلانی نیز از آثار مسأله‌ساز بوده است. وی دوران معاصر رضی را دوران انحطاط اخلاقی مسلمانان و حاکمان اسلامی می‌داند. وی در تبیین این اوضاع و احوال مطالبی را طرح کرد که به تحریک شدید احساسات دینی و محرومیت‌های شدید



مؤلف منتهی شد. کتاب «من هنا نبدا» اثر خالد محمد خالد نیز اثری بود که با هجوم شدید اسلامگراها روبه‌رو گشت. وی بنا به گزارش کمیته افتاء الازهر، کتاب و سنت را دارای ابهامی می‌داند که منشأ تمسک مخالفان و در نتیجه فاقد صلاحیت لازم برای مبنای حکومت قرار گرفتن گشته است و رسالت اصلی دین را ارشاد و حدود را غیر قابل اجرا و زکات را وسیله تعیش کاهنان اسلامی می‌شمرد! دستگاه قضایی مصر این اتهامات را در مورد وی نپذیرفت و در نهایت اجازه نشر کتاب وی را صادر کرد.

صابر احمد نایل تلاشهای متفکرانی چون شبلی شمیل و موسی سلامه را منشأ جایگزینی رویکرد علمی به جای رویکرد دینی در مصر می‌داند. تحلیل دیدگاههای این دو و تحولات بعدی به تفصیل در کتاب آمده است. محمد عزمی، اسماعیل احمد ادهم، توفیق حکیم و نجیب محفوظ نیز از پیشگامان این حرکت هستند.

در فصل چهارم کتاب آمده است که علی‌رغم آنکه جدایی دین از سیاست مفاد اصلی علمانیت است اما در مصر در نیمه اول قرن بیستم دو مفهوم متناقض علمانیت و تئوکراسی [= حکومت دینی و الهی] با هم مطرح بودند. مثلاً در قانون اساسی مصوب ۱۹۲۳ اعلام شده است که دین رسمی کشور، اسلام است اما در قوانین و تشریحات قانونی مواد بسیاری وجود دارد که بر اساس روح علمانی تدوین و وضع شده است. فصل پنجم به بحث مهم خلافت، و فصل ششم به بحث حجاب و حقوق زن پرداخته است. این دو فصل به دلیل نشان دادن تحولات صورت گرفته در مصر و موضع‌گیریهای اطراف مختلف در این زمینه قابل توجه است. فصل هفتم و هشتم به بحث ناسیونالیسم مصری و ناسیونالیسم عربی اختصاص دارد.

ارزیابی:

این کتاب برای درک دیدگاه سکولاریستهای عرب آن هم از نگاه مدافعان سکولاریسم مناسب است. ترجمه یا تلخیص این کتاب همراه با نقدهای جدی و عالمانه شایسته به نظر می‌آید.

دنیاجروی و جامعه مدنی

□ شناسنامه: دکتر جلال العظم، صادق، العلمانیة و المجتمع المدني، چاپ اول،

۱۹۹۸، مرکز الدراسات و المعلومات القانونية لحقوق الانسان، ۱۴۲ صفحه.



معرفی اجمالی:

کتاب حاضر مجموعه چند سخنرانی و یک مصاحبه است که توسط صادق جلال عظم یا با او صورت گرفته است. محور این کتاب بررسی امکان علمانی و سکولار کردن اسلام است. جلال عظم از مدافعان پر آوازه و پراطلاع علمانیت در دنیای عرب است. وی اهل سوریه است و آرای وی همواره مورد توجه بوده است. مسؤولیت فعلی وی ریاست بخش تحقیقات فلسفی و اجتماعی در دانشگاه دمشق است. از وی آثار متعددی چون «ذهنية التَّحریم» و «دفاعاً عن المادیة و التاریخ» انتشار یافته است.

عناوین سخنرانیها و مصاحبه نشر یافته در این کتاب همراه با محتوای اجمالی آنها از قرار ذیل است:

۱. العلمانية و المجتمع المدني:

علمانیت در معنای حداقلی آن نتایج زیر را در بر دارد:

- بی طرفی مثبت حکومت نسبت به اقلیتهای دینی، مذهبی و قومی

- توانایی شمول در جوامع برخوردار از انواع تکثرها

- مستقل بودن زندگی عمومی جامعه از تحمیلات حکومتها بر اساس دین رسمی

- برابری شهروندان در مقابل قانون و نیز در تحصیل فرصتهای اشتغال و پیشرفت، آزادیها و

... بی توجه به نوع تمایلات و گرایشهای دینی آنان

- آزادی عقیده و بیان

جامعه مدنی با فرض استقلال جامعه از دولت و فارغ بودن از سلطه دولت شکل می گیرد و گاه

در برابر دولت می ایستد. البته در جوامع ما جامعه مدنی بدون دخالت دولت پا نمی گیرد. جامعه

مدنی ارتباط محکمی با مفهوم شهروندی دارد.

۲. دنیاگرایی و اسلام:

در پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه آیا اسلام با تجدد [= مدرنیته] یا دموکراسی یا علمانیت یا

علم جدید و فن آوری پیشرفته سازگار است یا نه، دو گونه پاسخ صریح و قاطع داده می شود.

اندیشمندان عربی که خود را وارث اندیشه های عصر روشنگری و تحولات آن می دانند هیچ

دشواری جدی ای در این نمی بینند که با صراحت بگویند بلی؛ یعنی اسلام با این مفاهیم نوین و

مدرن قابل هماهنگی است اما در مقابل، گرایشهای اصولگرای معاصر با قاطعیت تمام و بدون



هیچ اباء و امتناعی به این پاسخ جواب منفی می‌دهند. صالح سریه، نظریه پرداز معروف اصولگرا می‌گوید: «به عنوان مثال دموکراسی روشی است برای زندگی که با شیوه اسلام مخالف است ... جمع کردن میان اسلام و دموکراسی مثل جمع کردن میان اسلام و یهودیت است.»

جلال عظم به نمونه‌های دیگری از چند اسلامگرایی دیگر چون گلب‌الدین حکمتیار و شکری مصطفی نیز اشاره می‌کند. شکری مصطفی بنیانگزار الجماعة الاسلامیه در مصر که بعدها اعدام شد معتقد بود که حتی فراگیری نوشتن و خواندن حرام است مگر به اندازه‌ای که عبادت کردن بطلد.

او می‌افزاید: واقعیت آن است که اگر نگاه مکتبی [=دگمایی یا اعتقادی] داشته باشیم از اسلام جواب نه می‌گیریم اما اگر نگاه تاریخی داشته باشیم و اسلام را از ابتدا تا کنون و در بستر تاریخ و تطبیق‌های عینی بینیم جواب آری است حتی در ایران اسلامی نیز علی‌رغم آنکه امامت شیعی، مقتضی ایجاد حکومتی چون خلافت است اما عملاً - و حتی برای اولین بار در تاریخ ایران - آیت‌الله‌های ایران، نظامی جمهوری تأسیس کردند و این آیت‌الله خمینی است که به موزه‌های علوم دینی نهیب می‌زند که نباید به دروس معمول حوزوی بسنده کنید.

۳. اسلام اروپایی یا اسلام در اروپا یا اسلام و تجدد اروپایی [مصاحبه علی دیوب و دکتر

ابوحلاوه با صادق جلال عظم]: *مکتب‌های دینی و علوم دینی*

اقلیتهای مسلمان در اروپا به واقعیتی جدی و بحث‌انگیز در اروپا تبدیل شده‌اند که منشأ تشکیل سمینارهای مختلف برای بررسی این مسأله با شرکت متفکرانی چون محمد ارکون، عابد جابری، حسن حنفی، عبدالله عرووی، بسام طیبی و اساتید دانشگاهی از ایران چون محمدجواد لاریجانی گشته است [جلال عظم در اینجا به تفصیل و با نگاه مثبت در باره شخصیت و افکار لاریجانی سخن می‌گوید].

اروپاییها به این نتیجه رسیدند که روند گذشته استشرق نمی‌تواند هم‌اکنون نتیجه‌بخش باشد. آنچه که در اروپا قابل توجه است شکل‌گیری اسلامی است. مدرن که خود را با نظامهای پذیرفته شده در غرب هماهنگ ساخته است اگر این طرز تلقی پیش برود چه بسا بر اندیشه اسلامی در دنیای اسلام نیز تأثیری جدی بگذارد.

۴. مشروع یا برنامه

۵. آیا می‌توان اسلام را سکولاریزه کرد؟



[این فصل و فصل پیشین آن، تحت عنوان مشروع [=برنامه]، به بسط و تفصیل مضمون فصول قبلی می‌پردازد.]

۶. مفهوم خصوصیت‌گروی: [الخصوصية در برابر العالمية = جهانی شدن، gelobalisation است]

مفاهیمی چون حقوق انسان، دموکراسی، مدرنیسم هر چند ریشه‌ها و خاستگاه‌های اروپایی آشکاری دارند اما به مفاهیمی جهانی و فراگیر تبدیل شده‌اند که نوعی مرجعیت یافته‌اند. از این رو خصوصیت‌گروی [در پی بومی کردن بودن] در حرکت‌هایی چون حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر چینی، حقوق بشر هندویی، حرکت‌هایی تاکتیکی، راه‌حلهای موقت و بلکه تنها واکنش‌هایی انفعالی هستند.

به واقع حتی مفهوم خصوصیت‌گروی برگرفته از تلقین‌های غربی است، چه اسلام چون مسیحیت به شدت مطلق‌گرا و جهانی‌گرا است و گرایش‌های خصوصی‌گروی را بر نمی‌تابد. خصوصی‌گروی چه بسا پوششی است برای توجیه رفتارهای مخالف حقوق بشر و غیر دموکراتیک. مفاهیمی چون اصالت، هویت، تراث و ... همه در چارچوب همین حرکت‌های خصوصی‌گروانه می‌گنجد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ارزیابی:

این کتاب به دلیل برخورداری از اندیشه‌های نو در زمینه علمانیت و انتساب آن به یکی از نام‌آوران این مکتب و گرایش، قابل‌اهتمام و عنایت است. البته تلخیص آن بیش از آنچه که گفتیم به دست نمی‌دهد ولی ترجمه همه کتاب یا یکی از فصول جامع آن - به صورت مقاله - البته همراه با نقد یا در کنار دیدگاه‌های مخالف و مختلف مناسب به نظر می‌آید.

✓ چيستی علمانیت و نزاع میان اسلام‌گرایان و دنیاگروان

□ شناسنامه: ابراهیم میروک، محمد، حقیقة العلمانية و الصراع بين الاسلاميين و العلمانيين، چاپ اول، ۲۰۰۰، دار التوزيع و النشر الاسلامية، قاهره، جلد اول، ۱۷۶ صفحه.

معرفی اجمالی:

این کتاب در پی تبیین مفهوم و سابقه تاریخی علمانیت [= سکولاریزم / Jaicism، لائیسیزم] می‌باشد. وی اصطلاح سکولاریزم و نیز لائیسیزم که اولی از ریشه لاتینی Saeculum و دومی از ریشه فرانسوی laique است را به اوایل قرن هفدهم برمی‌گرداند. اما نظام و اندیشه علمانی را ریشه دار در فرهنگ هلنی [اغریقی، یونانی مآبی] می‌داند. ابراهیم مبروک مشرق زمین و ادیان آن را اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی [= بودیزم، هندوئیسم، کنفوسیوس و ...] دارای سابقه جدی توحیدی دانسته و بیگانه با علمانیت شمرده است، چه در نظر او علمانیت یعنی آنکه منبع معارف و شناخت‌های آدمی تنها عقل باشد و اثری از وحی در آن نباشد و تنها فرهنگ هلنی است (به جز در مورد سقراط که به خدای واحد متافیزیکی قایل بوده است) که به وحی اتکا نداشته است. از این رو فلسفه یونان باستان از لحاظ اخلاق و حتی ابعاد دیگر انسانی عاری بوده است. حال آنکه اسلام هم از لحاظ جنبه‌های اخلاقی و عقلانی و هم از لحاظ مردم‌سالاری و ترقی و پیشرفت وضعیتی کاملاً متفاوت با پیشینه و خاستگاه اصلی تمدن غرب دارد.

در این کتاب عصر روشنگری و دستاوردهای آن و نیز فلسفه‌های علمانی معاصر از قبیل پراگماتیسم و اگزستانسیالیسم را نیز به نقد کشیده است.

از این کتاب تنها جلد نخست آن در دست ماست و مجلدات دیگر آن یا هنوز به چاپ نرسیده یا به دست ما نرسیده است.

فهرست عناوین کتاب:

- علمانیت چیست؟
- چرا فرهنگ هلنی به شیوه علمانیت در تفکر اختصاص یافت؟
- آیا سقراط، زرتشت، بودا و کنفوسیوس پیامبر بودند؟
- ناسازگاری باورهای یونانیان باستان با اخلاق و عقلانیت
- سوفسطائیان / افلاطون / ارسطو / اپیکورس یا اپیکوریان / رواقیان
- خاستگاه تمدن غرب: شهرهای یونان باستان / دیدگاه‌های سیاسی فیلسوفان یونان
- تأثیر تمدن‌های باستان در تمدن یونانی
- دستاوردهای علمی تمدن یونان و میزان دوری آن از روش تجربی





- مرحله هلنی قبل از فتوحات اسکندر
- عوامل شهرت چشمگیر ارسطو
- دوره هلنی و میزان ارتباط آن با تفکر مابعد الطبیعی
- نقد افکار دکتر مسیری [مؤلف موسوعه الیهود و نیز اثر چاپ نشده موسوعه العلمانیة] در
باره علمانیت

- تمدن اسلامی و دستاوردهای سیاسی، فکری و علمی آن: اسلام و اصول حاکمیت / موضع
اسلام نسبت به علم، عقل و روش تجربی / بنیانگذاری اصول روش تجربی توسط تمدن اسلامی /
دستاوردهای علمی تمدن اسلامی

- آیا علم جدید تداوم تمدن یونانی است یا زاینده تمدن اسلامی است؟؛ وضعیت اروپا در
قرون وسطی و نبرد میان شاهان و پاپها، نفوذ پاپها و جمود فکری آنان / نمایی از رنج و آزار
دانشمندان و متفکران توسط کلیسا / موضع کلیسا و آموزه‌های کتابهای مقدس نسبت به دانش

- بررسی و نقد دو دیدگاه غربی در مورد دلایل بروز پیشرفت علمی
- گرایشهای صلیبی چیستند؟

- حق تمدن اسلامی بر تمدن نوین غرب

- بررسی انتقادی مهمترین فلسفه‌های سکولار معاصر: پراگماتیسم [= عمل‌گرایی] / فلسفه
وجود [= اگزیستانسیالیسم] / پوزیتیویسم منطقی [= الفلسفة الوضعية المنطقية] / کمونیزم یا
مارکسیزم، میزان توانایی اندیشه مارکسیستی در تحلیل
ارزیابی:

نظم علمی خاصی بر کتاب حاکم نیست اما حاوی نکات ارزنده‌ای است لیکن هر نوع تلخیص
یا معرفی آن مستلزم دستیابی به دیگر مجلدات این کتاب است.

✓ اسلام و سیاست؛ پاسخ به شبهات دنیاگروان

[الاسلام و السياسة؛ الرد علی شبهات العلمانیین]

□ شناسنامه کتاب: دکتر عماره، محمد، الاسلام و السياسة؛ الرد علی

شبهات العلمانیین، چاپ سوم، دار الرشد، قاهره، ۱۹۹۷، ۱۹۵ صفحه.

معرفی اجمالی:

محمد عماره از اسلامگرایان معتدل و شناخته شده در مصر است که همواره در برابر سکولاریزم و مقولات دیگری چون پلورالیزم یا به تعبیر عربها «التعددية» ایستاده است. قریب به صد و چهل اثر شامل تألیف (به تنهایی)، تألیف به همراه دیگران و تحقیق و تصحیح متون از او انتشار یافته است. دغدغه اصلی او اسلام و مبارزه طلبی های [= تعدیات] روزگار جدید است. نگاهی به برخی از عناوین تألیفات او رویکرد اصلی او را نشان می دهد: الاسلام و حقوق الانسان، الاسلام و الثورة، الاسلام و العروبة، الدين والدولة، الاسلام والسلطة الدينية، الاسلام بين التنوير والتزوير، الاصولية بين الغرب والاسلام، الاسلام والتعددية، جمال الدين الافغانى بين حقائق التاريخ و اکاذيب لويس عوض، التراث والمستقبل، الفكر القائد للثورة الايرانية، الفكر الاجتماعى لعلى بن ابي طالب، جمال الدين الافغانى موقف الشرق وفيلسوف الاسلام، محمد عبده: تجديد الدنيا بتجديد الدين و ... محمد عماره در ایران تا حدودی شناخته شده است.

وی در گفت و گوها و مناظرات بسیاری با سکولارها شرکت جسته است از جمله در نمایشگاه بین المللی کتاب در قاهره در کنار شیخ محمد غزالی و محمد مأمون هضیبی با چهره های شاخص سکولاریزم یعنی فرج فوده و محمد احمد خلف الله گفت و گو کرده است. وی در باشگاه مهندسان اسکندریه با فرج فوده و فؤاد زکریا و در قطر در برنامه ای تلویزیونی با فؤاد زکریا به بحث نشست است. محمد عماره کتاب حاضر را پس از این گفت و گوها تألیف کرده است تا عمده ترین شبهات علمانیها را همراه با پاسخ آنها - که محصول آن گفت و گوها بوده است - در معرض نظر خوانندگان قرار داده باشد. اما برخلاف عنوان این کتاب تنها چهل صفحه آن به این موضوع اختصاص یافته است و بقیه به تبیین مفهوم علمانیت و روند تاریخی ای که این موضوع در جهان عرب به خصوص مصر از سرگذرانده است اختصاص دارد. این سیر تاریخی جالب توجه و پرنکته است؛ از جمله در این کتاب آمده است که برای اولین بار در جهان عرب شخصی مصری به نام لويس بقطر در فرهنگی عربی - فرانسوی به سال ۱۸۲۸ واژه علمانی را در مقابل *laique* ساخت و به کاربرد و بعدها این واژه معادل *secularist* به کار رفت و نیز اولین کسی که در مصر کوشید اسلام را دینی علمانی یا موافق با علمانیت نشان دهد علی عبدالرزاق بود که خود از مشایخ الازهر بود. کتاب وی الاسلام و اصول الحکم نام داشت. پس از وی در رأس علمانیهای نخستین مصر، طه حسین (فارغ التحصیل الازهر و دانش آموخته غرب) و محمد حسنین هیکل





قرار دارد که البته این سه اندیشمند همگی در نهایت از دیدگاه خود دست کشیدند اما به هر حال سد را این سه نفر شکستند.

حدود بیست و پنج صفحه از این کتاب به طرح پرسشهایی از علمانیها اختصاص یافته است. شیخ جاد الحق علی جاد الحق، شیخ سابق ازهر نیز بر این کتاب تقریظ زده است.

نمایی از عناوین فرعی کتاب:

- مقدمه: در باره اسلام و سیاست

- اسلامی بودن حکومت

- چه زمانی ... و چگونه رخنه به وجود آمد؟

- از «یاسه» چنگیزخان تا دنیا گروی غربی (یاسه عنوان قوانین موضوعه چنگیز است)

- دنیوی کردن اسلام از درون

- ... کتاب اسلام و اصول حاکمیت: عمل و ... و عکس العمل

بازگشت از دنیوی کردن اسلام ... به اسلامی کردن سیاست

- عقب‌نشینی سه پیشگام علمانیت: علی عبدالرزاق، دکتر طه حسین و دکتر محمدحسین

هیكل

شبهات ... و علامتهای سؤال

۱. ترس از اجرای بشری دین اسلام

۲. ترس از استبداد به نام دین

۳. نگرانی نسبت به وحدت ملی در صورت اجرای حکومت اسلامی

۴. ابهامات نظریه اسلام ... و نبود برنامه اسلامی

۵. همراهی نظام اسلامی با خشونت

پرسشهایی از علمانیها

ارزیابی:

این کتاب در حد خود ارزنده و قابل استفاده است. جالب‌ترین بخش آن قسمتی است که دیدگاههای علی عبدالرزاق را به اجمال طرح می‌کند؛ سپس ردیه‌های سعد زغلول از رهبران

معروف مصر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و دکتر عبدالرزاق سنهوری، پدر قانون مدنی جدید در دنیای عرب را می آورد. متن کامل ردیة سنهوری در این کتاب آمده است.

✓ مسلمانان میان علمانیت و حقوق بشر مادی

□ شناسنامه کتاب: علی رضا النحوی، دکتر عدنان، المسلمون بین العلمانیة و حقوق الانسان الوضعية، چاپ اول، ۱۹۹۷م، الرياض، دارالنحوی للنشر و التوزیع، ۴۴۲ صفحه.

معرفی اجمالی کتاب:

این کتاب در پی تبیین مبانی و خاستگاههای علمانیت در غرب و سپس در جهان اسلام و نیز ارائه راهکارهایی برای رویارویی با آن است. نویسنده کتاب فردی پرنویس و دارای گرایشهای آشکار وهابی است تا جایی که حرکت وهابیت را از جنبشهای اصلاحی ای می داند که در برابر علمانیت به پا خاسته و ایستاده است. وی نسبت به اسلام شیعی، انقلاب اسلامی ایران و حتی ساحت امیرالمؤمنین (ع) بی اعتنائی ملموسی را نشان می دهد با آنکه در مواضع متعددی روال بحث، مقتضی اشاره به این موارد می باشد. مثلاً در بیان جنبشهای اصلاحی و مخالف علمانیت نامی از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) نمی برد یا در بخش مربوط به اهتمام خلفای راشدین به حقوق بشر به عهدنامه ها و فرموده های امیرالمؤمنین (ع) اشاره نمی کند؛ تنها در بحث رفتار عادلانه خلفا به داستان آن حضرت و شریح قاضی اشاره می کند.

نویسنده فردی پراطلاع و پر مطالعه به نظر می آید اما در اندیشه هایش افراطی است. او حتی آثار و فعالیت های مصلحانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده را نیز مایه ترویج علمانیت می شمارد. وی ریشه اصلی نفوذ علمانیت در جهان اسلام را دور افتادن جامعه اسلامی از مفهوم و حقیقت توحید می داند و میان اسلام و فرهنگ غرب هیچ آشتی ای را قبول ندارد و معتقد است که به جز صنعت و تکنولوژی، بقیه علوم و معارف را باید از اسلام و بنا به آموزه های اسلام دریافت و شناخت. وی حقوق بشر و دموکراسی را نیز ارمغان فرهنگ علمانی غرب و زیان آور به حال اسلام می داند. فهرست مطالب این کتاب گویای محتوا و گرایش اصلی آن است:

بخش اول: ریشه های تاریخی انحرافات فکری در اروپا

فصل اول: نزاع بت پرستی (شرک) و مسیحیت و انحراف در مسیحیت به سمت علمانیت





فصل دوم: پیدایش، روند و تحولات علمائیت

۱. مهمترین عوامل سازنده اندیشه و تفکر اروپاییان
۲. مهمترین مراحل تاریخی اندیشه غربی
۳. مهمترین آثار درگیری مسیحیت با بت پرستی و پیدایش علمائیت
۴. تقسیم علمائیت به گرایشهایی که به دین کاری ندارد یا دین را منزوی می سازد و به کناری می زند یا با آن نبرد می کند

۵. جنبش اصلاح دینی در [مسیحیت]
۶. جنبش علمی و درگیری کلیسا با آن
۷. حاکمیت سیاسی و نزاع آن با کلیسا
۸. نقش یهود در تغذیه و تثبیت علمائیت
۹. بسط نفوذ علمائیت در قرن هجدهم میلادی
۱۰. استقرار علمائیت در قرن نوزدهم میلادی و تحول آن به الحاد آشکار و علنی
۱۱. علمائیت در قرن بیستم

فصل سوم: از علمائیت تا تجدد و مدرنیته

فصل چهارم: مبانی اختلاف اسلام با علمائیت و مدرنیته

۱. اولین اختلاف: نگرش به هستی، زندگی و انسان
۲. دومین اختلاف: ایمان و توحید بزرگترین حقیقت هستی و زندگی از نگاه اسلام
۳. سومین اختلاف: منابع شناخت
۴. چهارمین اختلاف: برداشت از شیوه رشد و پیشرفت
۵. پنجمین اختلاف: نگرش به گذشته و سنت و میراث
۶. ششمین اختلاف: نگرش به زبان
۷. هفتمین اختلاف: زیبایی به طور عام و زیبایی هنری به طور خاص
۸. دیگر اختلافات مهم

فصل پنجم: تفاوت اقتصاد در اسلام و سرمایه داری

بخش دوم: نفوذ علمائیت به جهان اسلام

فصل اول: مهمترین عوامل درونی زمینه ساز نفوذ علمائیت به جهان اسلام

۱. مهمترین عوامل ۲. مهمترین شاخصه‌های مکر، خدعه و برنامه‌ریزی: مبارزه با زبان عربی / دور ساختن مسلمانان از کتاب و سنت تضعیف برداشتهای ایمانی
- فصل دوم: خلاصه‌ای از نمودهای نفوذ علمانیت به جهان اسلام
- فصل سوم: مهمترین رویدادهایی که علمانیت را به جهان اسلام سوق داد.
۱. جنگ قرم ۲. استقلال لبنان از خلافت عثمانی ۳. تهاجم فرانسه به مصر ۴. محمدعلی پاشا در مصر ۵. اشغال مصر توسط بریتانیا ۶. در شام ۷. در تونس ۸. در ایران ۹. در افغانستان ۱۰. در هند

فصل چهارم: مسلمانان در رویارویی با علمانیت

بخش سوم: مهمترین پیامدهای علمانیت و آثار آن در زندگی انسان

فصل اول: مهمترین پیامدها و آثار

۱. جایگزینی گمان و وهم به جای علم
۲. افت کردن اصول و ارزشهای ثابت و پیدایش واکنشها
۳. نظام دموکراتیک زاییده علمانیت و دربردارنده بدیهای آن
۴. از دست رفتن حقوق بشر میان ستمها و تخدیر انسانها
۵. تعامل میان دولتها و ملتها بر مبنای منافع مادی و رقابت بر سر آنها
۶. نبود برداشتهای ایمان محور از اقتصاد و حاکمیت نظام ربوی سرمایه‌داری و نظام کمونیستی در مقطعی خاص
۷. سوء استفاده از پیشرفتهای علمی برای تحکیم منافع مادی و فریفتن مردم
۸. جنگهای متمادی و نبرد منافع مادی
۹. برپایی نهادهای بین‌المللی برای حمایت از منافع تجاوزکاران بزهکار
۱۰. تداوم نبرد بر ضد اسلام
۱۱. همکاری مسیحیان و یهودیان
۱۲. پیدایش صهیونیسم و نهادهای وابسته به آن
۱۳. برپایی دولت یهود در سرزمینهای اشغالی فلسطین
- بخش چهارم: یهودیان همان گروهی هستند که در میان بنی‌اسرائیل کفر ورزیدند.
- فصل اول: اجمالی از ریشه، تاریخ و سرشت یهود





فصل دوم: همکاری مسیحیان و یهودیان در عصر جدید

فصل سوم: برپایی جنبش صهیونیزم

فصل چهارم: دولت یهود در پرتو حمایت‌های بین‌المللی و آمریکایی پاگرفت

بخش پنجم: حقوق بشر میان رویکرد اعتقادی و رویکرد مادی

فصل اول: اجمالی از سیر تاریخی اعلامیه‌ها و اسناد مادی حقوق بشر

فصل دوم: مهمترین پیامدهای سیر اسناد مادی حقوق بشر و مهمترین اشکالات آنها

۱. مهمترین پیامدها و آثار

۲. مهمترین اشکالات وارد بر آن: تکیه نداشتن بر مبانی استوار/مشخص نبودن مفهوم

شعارها/ناقص بودن حقوق/تناقض و اضطراب/نبود ارتباط میان آنها و مسؤولیتها و رسالت

انسان در زندگی/از هم پاشیدگی خانواده‌ها و خویشاوندان در اثر حقوق مادی/دور بودن حقوق

بشر از مسأله ایمان و توحید

فصل سوم: سیر اعتقادی اذعان به حقوق بشر در تاریخ انسان

فصل چهارم: پیدایش حقوق بشر در تلقی ایمانی و شرایط و ویژگیهای آن

۱. پیدایش حقوق بشر در بستر تلقی ایمانی

۲. مسؤولیت‌های اصلی انسان در زندگی دنیا: تفکر/پذیرش تبعات دنیوی و اخروی

تصمیمات/ارکان پنج‌گانه/اعمال/روشهای الهی در زندگی/ارسال رسالت الهی به مردم

فصل پنجم: اولین و بزرگترین حق انسان؛ حمایت از فطرت الهی حقی که مورد بی‌اعتنایی

حقوق مادی بشر قرار گرفته است.

فصل ششم: تداوم حقوق بشر در اسلام و پیوند و هماهنگی آنها

بخش ششم: تصاویر و نمونه‌هایی از حقوق بشر در اسلام از منظر اسناد و مدارک

۱. نامه پیامبر پس از ورود در مدینه ۲. خطبه پیامبر در روز فتح مکه ۳. خطبه پیامبر در

حجّة الوداع ۴. خطبه پیامبر در بیماری منتهی به وفات ایشان ۵. سفارش ابوبکر به اسامه بن زید

۶. نامه عمر بن خطاب به ابوموسی اشعری در مورد قضاوت ۷. وصایای عمر بن خطاب به

جانشین خود

بخش هفتم: نمونه‌ها و گزیده‌هایی از مهمترین حقوق بشر در اسلام

۱. کرامت انسان در نزد خدا ۲. پشتیبانی از فطرت الهی انسان ۳. حق حفظ زندگی و امنیت آن



۴. حق تلاش و کار کردن برای کسب روزی و تأمین نیازهای اساسی انسان ۵. حق یادگیری
۶. آزادی اندیشه و اظهار نظر و حدود آن ۷. حق پشتیبانی از عقیده و سخن ۸. حق آزادی و
حدود آن ۹. حق برابری و حدود آن ۱۰. حق عدالت

بخش هشتم: نمونه‌ها و گزیده‌هایی از حقوق بشر در اسلام در عرصه عمل
بخش نهم: موانع پیش روی؛ میان ساده‌انگاری و لغزیدن و بشارتهای نادرست و تخدیر
انسانها

فصل نخست: رویارویی با چالشها و مهمترین موانع

فصل دوم: میان ساده‌انگاری و تخدیر

فصل سوم: مواضع نیازمند بررسی و نظر

فصل چهارم: اجتهاد و نظر میان علم و خواهشها

فصل پنجم: راه‌گزین و راه‌حلها

ارزیابی

این کتاب هرچند برای مطالعه مناسب است اما چون مجموعه‌ای است از اطلاعاتی که در
منابع دیگر در دسترس قرار دارد و نکته‌ها یا نتیجه‌گیریهای بدیعی نیز در آن به چشم نمی‌خورد
نه برای تلخیص و نه برای ترجمه مناسب به نظر نمی‌آید.

✓ علمانیت و پیشگامان آن در مصر

□ شناسنامه کتاب: القاسمی، فتحی، العلمانیت و طلاعتها فی مصر، چاپ
اول، ۱۹۹۹، انتشارات المستقبل، اسکندریه (و بیروت)، ۴۰۸ صفحه.

معرفی اجمالی:

این کتاب نموده‌ها و ماهیت علمانیت را به بحث گذاشته است. نویسنده چنانچه از ظواهر و
مطابقی سخنانش برمی‌آید از مدافعان جدی علمانیت است و آن را به معنای معارضة با دین و
پذیرش بی‌دینی و الحاد نمی‌داند. این کتاب تز دکترای فتحی قاسمی است، وی اهل تونس است
ولی به دلیل تلاشی که در این کتاب برای شناساندن افکار سلامه موسی از پیشگامان علمانیت
مصر صورت داده کتابش توسط پسر سلامه در قاهره تجدید چاپ شده است. بخش عمده این



کتاب به معرفی دیدگاههای سلامت موسی و دو متفکر مسیحی دیگر یعنی شبلی شمیل و فرح آنطون اختصاص دارد. بخش اول کتاب به توضیح و تبیین علمائیت و فرق آن با علمائیت و نظام لائیک می‌پردازد و عوامل مؤثر در گسترش آن در غرب و سپس پیشینه و مراحل تطوّر آن در دنیای عرب و اسلام را مورد بحث قرار می‌دهد.

نویسنده این کتاب معتقد است که دنیای اسلام دیر به بررسی علمائیت پرداخته است و اکنون بحث عولمة (globalisation) (جهانی شدن) اهمیتی بیشتر از علمائیت یافته است.

عناوین فصول و ابواب کتاب:

بخش اول: علمائیت و گسترش آن در شرق و غرب

فصل نخست: علمائیت و گسترش آن در شرق و غرب

بحث اول: تعریف علمائیت

بحث دوم: میان علمائیت (به فتح) و علمائیت (به کسر)

بحث سوم: علمائیت و لائیسته

بحث چهارم: تحولات داخلی کلیسا و ربط آن با علمائیت

بحث پنجم: روند علوم و نقش آنها در علمانی شدن اندیشه غربی

بحث ششم: اثر فن آوری و صنعتی شدن در علمانی شدن جامعه غربی

فصل دوم: زمینه‌های علمائیت در جوامع عربی و اسلامی در گذشته و حال

بحث نخست: نشانه‌های علمائیت در منابع اندیشه اسلامی

بحث دوم: از نمودهای علمائیت در جامعه اسلامی

بحث سوم: بذر جنبش عربی در شام (لبنان) و نقش آن در تحركات میسیونری مسیحیان

بحث چهارم: مهاجرت - دانش آموختگان شامی (لبنانی) به مصر؛ عوامل و آثار آن

بحث پنجم: اندیشه نهضت در مصر و جهان عرب و اسلام و ربط آن با علمائیت

بخش دوم: پیشگامان علمائیت در مصر

فصل اول: در معرفی پیشگامان علمائیت (شبلی شمیل، فرح آنطون و سلامت موسی) و

دل مشغولی‌های آنان در آثارشان



فصل دوم: نمودهای علمائیت در اندیشه‌های شمیل، آنطون و موسی

بحث اول: تحوّل

بحث دوم: علم آکادمیک

بحث سوم: جایگاه انسان؛ به سوی فهمی نو از انسان

بحث چهارم: مسأله اجتماعی

فصل سوم: ویژگیهای علمائیت در آثار شبلی شمیل، فرح آنطون و سلامة موسی

فصل چهارم: تداوم علمائیت در جامعه، سیاست و اندیشه در جوامع عربی و اسلامی.

ارزیابی:

این کتاب از آن‌رو که به شیوه آکادمیک و در مقام دفاع از علمائیت تحریر شده است برای آشنایی با این موضوع از نگاه جانبداران آن و به ویژه برای شناخت پیشگامان علمائیت در مصر و دنیای عرب قابل توجه است اما ترجمه یا تلخیص آن اولویت خاصی ندارد. و به جز در بخش معرفی سه متفکر علمانی نکته خاص و بدیعی در آن وجود ندارد. البته بخش نشانه‌های علمائیت در منابع اسلامی، جداً قابل مطالعه و ملاحظه است و حساس‌ترین بخش این کتاب است که نقدی جدی و عالمانه را می‌طلبد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

✓ **علمائیت؛ پیدایش، سیر تحول و تأثیرات آن در وضعیت کنونی**

جهان اسلام

□ شناسنامه کتاب: الحوائی، سفر بن عبدالرحمن، العلمائیه نشأتها و

تطوّرها و آثارها فی الحیاة الاسلامیة المعاصرة، چاپ دوم، ۱۹۹۹،

انتشارات مکتب الطیب، قاهره، ۷۲۰ صفحه.

معرفی اجمالی کتاب:

این کتاب رساله فوق‌لیسانس نویسنده است که در دانشکده شریعت در مکه مکرمه (تابع جامعه ام‌القری) زیر نظر محمد قطب فراهم آمده است. نویسنده فردی روحانی و ضد علمائیت است که کوشیده است علمائیت را معرفی و نقد نماید. این کتاب در پنج بخش سامان یافته است. در بخش اول به دیانت اروپا و انحراف آن به بی‌دینی پرداخته شده است. مسیحیت در این



بخش به جد نقد شده است.

بخش دوم به عوامل علمائیت پرداخته است. بنا به نظر مؤلف سرکشی کلیسا، نزاع میان کلیسا و علوم، انقلاب فرانسه، نظریه تکامل داروین و نیروی ویرانگر یهود از عوامل پاگرفتن علمائیت در اروپاست.

در بخش سوم تطبیقات علمائیت در اروپا در حاکمیت سیاسی، اقتصاد، علوم، اخلاق و جامعه و ادبیات و هنر نشان داده شده است.

بخش چهارم به علمائیت در جهان اسلام اختصاص دارد. مؤلف بر این نظر است که مهمترین عوامل راهیابی علمائیت به جهان اسلام انحراف مسلمانان از اسلام راستین و عقیده توحید و نیز برنامه‌ها و توطئه‌های صلیبی - یهودی است. وی گرایشهای باطنی را نیز در مدار همین توطئه‌ها آورده است. وی در همین بخش به مظاهر و نمودهای علمائیت در حاکمیت و قانونگذاری، تربیت و فرهنگ و جامعه و اخلاق به تفصیل پرداخته است.

وی بخش پنجم را به حکم علمائیت در اسلام اختصاص داده است. بنا به نظر وی تفاوت‌های جوهری میان اسلام و مسیحیت منحرف شده، سدی است در برابر هر توجیه عقلی‌ای که بخواهد وارد کردن این پدیده را به عالم اسلام موجه سازد. علمائیت از دو جهت با اسلام ناسازگار است؛ یکی آنکه حکمی است به غیر ما انزل الله و دیگر آنکه مایه شرک و ورزی در پرستش خداست.

ارزیابی:

نویسنده این کتاب رنج بسیاری را برای فراهم آوردن این تحقیق متحمل شده است. استفاده از حدود سیصد منبع نشانگر تلاش بسیار اوست هرچند به دلیل ناآشنایی با زبانهای اروپایی به منابع اصلی مراجعه نکرده است. صبغه و گرایش وهابی در سراسر کتاب مشهود است. مجموعاً در این کتاب با نکات بدیع و یارویکردهایی متفاوت با کتب مشابه روبه‌رو نمی‌شویم. از این‌رو نه ترجمه و نه تلخیص این کتاب توصیه نمی‌شود، هرچند برای تحقیقی جامع و گسترده در باره سکولاریزم مطالعه چنین کتابهایی نیز سودمند است.

✓ **الديمقراطية بين العلمانية و الاسلام**

(دموکراسی میان سکولاریزم [= دنیاگرایی] و اسلام)



□ شناسنامه کتاب: دکتر عبدالرزاق عید و دکتر محمد عبدالجبار،
دموکراسی میان سکولاریزم و اسلام (از سری حواریات لقرن جدید [=]
گفت و گوهایی برای قرن نو])، چاپ اول، دارالفکر، دمشق [= دارالفکر
المعاصر، بیروت]، ۱۹۹۹، قطع پالتویی، ۲۶۴ صفحه.

معرفی اجمالی:

این کتاب حاصل گفت و گویی غیر حضوری و نوشتاری میان چهره‌ای علمانی (عبدالرزاق عید) و چهره‌ای اسلامگرا و شیعی (محمد عبدالجبار) پیرامون یکی از بحثهای جدی روزگار ماست. پیش فرض هر دو اندیشمند این است که مردم‌سالاری از ضرورت‌های پذیرفته شده روزگار ماست اما یکی از این دو یعنی عبدالرزاق عید معتقد است که دموکراسی بیش از آنکه یک روش باشد یک عقیده است و پیش فرض معرفتی انحصاری‌ای دارد که همان سکولاریزم است یعنی تا از دالان سکولاریزم عبور نکنیم نمی‌توانیم به دموکراسی واقعی دست یابیم.

در مقابل، عبدالجبار دموکراسی را تنها یک روش و راه می‌داند و آن را زاییده و دستاورد سکولاریزم نمی‌داند؛ گرایشهای مردم‌سالارانه همواره مطرح بوده است و در تاریخ جدید و دوران معاصر به طور جدی‌تر و به عنوان روش برگزیده مورد اقبال و استقبال قرار گرفته است. می‌توان به دموکراسی - البته جوهر و روح آن که مردم‌سالاری است - اعتقاد داشت در عین حال به مبانی سکولاریزم و لیبرالیزم ملتزم نبود.

عبدالجبار دیدگاههای آقای خاتمی رئیس‌جمهور ایران و تجربه ایران در دوره ریاست ایشان را بهترین شاهد سازگار بودن اسلام و اسلام‌گرایی با دموکراسی و مردم‌سالاری می‌داند.

تنظیم کتاب:

این کتاب در دو بخش نسبتاً مبسوط و دو پیوست و یک خاتمه سامان یافته است:

بخش اول: دموکراسی و دنیا‌گرایی: دکتر عبدالرزاق عید

عناوین فرعی: بت شدن «بومی‌گرایی»

روند دموکراسی

عوامل نبود دموکراسی در دنیای عرب

لیبرالیسم دفن شده

[مباحثات] محمد عبده و فرح آنطون



به خاطر اصالت بخشیدن دوباره به دموکراسی
علی عبدالرزاق؛ اسلام و اصول حاکمیت
دنیا گروی چون ضرورتی برای دموکراسی
بخش دوم: اسلام و دموکراسی در نبرد تمدن سازی: محمد عبدالجبار
عناوین فرعی: مقدمه

فصل نخست: بحران حاکمیت و جامعه در دنیای عرب و اسلام
فصل دوم: گزینه تمدن ساز اسلام
فصل سوم: گزینه دموکراسی؛ ضرورتی اجرایی برای خیزش تمدنی
فصل چهارم: بومی کردن ساز و کارهای دموکراتیک در محیط تمدنی اسلام

پیوست اول: اسلام تمدن ساز و دموکراسی اجرایی، نقد دکتر عبدالرزاق عید بر محمد
عبدالجبار

پیوست دوم: سکولاریستهای عرب و دموکراسی، نقد محمد عبدالجبار بر عبدالرزاق عید
خاتمه: تعریفات (حاوی تعریف اصطلاحاتی که در این کتاب به کرات به کار رفته است)،
صهیب شریف

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ارزیابی:

نویسندگان این کتاب یا اطراف گفت و گوی آمده در این کتاب، چندان مشهور نیستند اما به
طور نسبی از عهده بحث خویش بر آمده اند. این کتاب به دلیل آنکه بحث ربط و نسبت
دموکراسی و سکولاریزم را به طور شفاف و ناظر به آخرین تحولات جهان عرب و اسلام مطرح
می کند و به خصوص طرح بحث طرف اسلامگرا از زاویه دید شیعی دارای اهمیت است. تلخیص
این کتاب دارای اولویت خاصی نیست اما ترجمه و نشر بخش دوم کتاب که حاوی دیدگاههای
عبدالجبار است می تواند مناسب باشد. طرح دیدگاههای شهید سید محمد باقر صدر، مرحوم
علامه طباطبایی، استاد جعفر سبحانی، استاد محمد تقی مصباح، علامه فضل الله و توجه به الگوی
ایران امام خمینی مایه جذابیت بیشتر این بخش است (این بخش به تنهایی ۶۰ صفحه و در
صورت ضمیمه نقد عبدالجبار بر عبدالرزاق عید، ۸۱ صفحه را شامل می شود).



✓ دنیوی شدن [= سکولاریزم] و بازداری اسلامی

گفت و گوهای بی‌پیرامون تحول و تجدد

□ شناسنامه کتاب: العمیم، علی، العلمانیة و الممانعة الاسلامیة؛ محاورات فی النهضة و الحدائة، چاپ اول، دارالساقی، بیروت، ۱۹۹۹، یک جلد، ۳۵۸ صفحه.

نگاهی اجمالی به کتاب:

این کتاب حاصل گفت و گوهای علی عمیم با تنی چند از اندیشمندان و چهره‌های شاخص سیاسی صاحب فکر در جهان عرب می‌باشد. علی عمیم، متولد عربستان سعودی، که بیشتر به عنوان یک روزنامه‌نگار قدیمی شناخته می‌شود، این اثر را با انگیزه طرح شفاف دیدگاه‌های دو جریان اسلامگرا و سکولار در جهان عرب فراهم آورده است. در فراهم آوردن این اثر کتابخانه‌های ملک فهد (کتابخانه ملی) و ملک عبدالعزیز (کتابخانه عمومی) در ریاض به او مدد رسانده‌اند. محور اصلی گفت و گوها، موضوع بحث‌انگیز «سنت و تجدد» است.

به جز اسپوزیتو، بقیه گفت و گو‌شوندگان عرب هستند. در میان گفت و گو‌شوندگان نام‌هایی چند وجود دارند که برای جامعه علمی و فرهنگی ما آشنا هستند: راشد الغنوشی از رهبران اسلامگرای تونس، رضوان السید، چهره معروف گفت و گوی اسلام و مسیحیت و سردبیر مجله الاجتهاد چاپ لبنان، عبدالوهاب مسیری سرویراستار مجموعه عظیم موسوعه اليهود و اليهودیة [این موسوعه و مؤلف آن در مجله هفت آسمان شماره دوم به تفصیل معرفی شده است]، بنت الشاطی، نویسنده معروف مصری که آثاری چند از وی به فارسی ترجمه شده است.

علی عمیم کتاب را در سه بخش سامان داده است:

- از اصولگرایی اسلامی تا حاکمیت مسیحی

- از خیزش لرزان تا تجدد ناتمام

- [جایگاه] میراث [و سنت] در تجدد

از ویژگی‌های مثبت این کتاب، اشاره اجمالی به شرح حال و گرایش فکری هر کدام از مصاحبه‌شوندگان است.

نام‌های مصاحبه‌شوندگان و عناوین برگزیده علی عمیم برای مصاحبه‌ها از قرار ذیل است:



بخش اول:

- راشد الغنوشي: ما در متن جامعه و از خلال آن فعالیت می‌کنیم نه بر فراز آن.
- عبدالله النفیسی: شکل‌گیری دولتی برآمده از جنبش اسلامی به صلاح اسلام نیست.
- سعید بن سعید: اسلام سیاسی پدیده‌ای نوظهور است و با دوران نخست اسلام نسبتی ندارد.
- ژان اسپوزیتو: اختلاف بر سر حاکمیت است نه اسلام.
- محمد رواس قلعه‌جی: بازخوانی نسنجیده و ناقص اندیشه‌های ابن تیمیه وی را به عامل پراکندگی و نه وفاق تبدیل کرده است.
- سعدالدین ابراهیم: مغربها بر خلاف شریقا [= اندیشمندان شرق عربی] اسلام را بدون محافظه کاری مورد بررسی قرار می‌دهند.
- علی عمیم*: مسیحیت سیاسی در مصر: کلیساها تحریک می‌کنند و سکولارها هم پیمان می‌شوند.
- رفیق حبیب: کتابهای من، برگ برنده قبطیها را در رویارویی با اسلام سیاسی از آنها سلب می‌کند.

بخش دوم:

- فهمی جدعان: جابری به طور کامل از دیدگاههای من پیروی کرده است.
- رضوان السید: موضع قاطع در برابر چپ‌گراها و سرگردانی در برابر پدیده اسلام‌گرایی.
- طلال اسد: لیبرالیسم، شرق‌شناسی و اسلام.
- محمد جابر انصاری: جنبشی ادبی برپا کردیم اما جنبشی فلسفی برپا نداشتیم.
- سعد البازعی: در جست و جوی ابعاد نهفته در ورای شیوه‌های فکری در پرتو نبود ایدئولوژی قاطع و معین.
- ابوبکر باقادر: تهاجم فرانسویها [در زمان بناپارت] آغازی بر پایان استقلال فکری در جهان اسلام بود.
- عبدالوهاب مسیری: من کاشف سکولاریزم نیستم ولی آن را به مدلی تفسیری تبدیل می‌کنم.

* این بخش سلسله مقالاتی است که در روزنامه الشرق الاوسط در سه شماره انتشار یافته است. نبود نامی برای صاحب این اثر نشانگر تعلق این نوشته به گردآورنده این مجموعه یعنی علی عمیم است.



- ترکی احمد: القباوی ایدئولوژی

- روایة عبدالعظیم: آینده روشنگری در پرتو نامهای [چهره‌های] مرتد مارکسیست

- بنت الشاطیء: اسلام در برابر عقل نیست

بخش سوم:

- احسان عباس*: روشی در گفت و گو

ارزیابی:

این کتاب حاوی نکته‌های ارزنده و درخور توجهی است اما:

اولاً، تمام مباحث این کتاب با موضوع آن ارتباطی مستقیم ندارد به ویژه اگر عنوان آن یعنی دنیوی شدن و مقاومت اسلامی را مد نظر قرار دهیم.

ثانیاً، شکل گرفتن این کتاب به صورت مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها امکان تلخیص آن را دشوار می‌سازد.

ثالثاً، در این کتاب به مباحث حاشیه‌ای از قبیل دلیل پرنویسی مصاحبه‌شونده، انگیزه او از اختلاف با خلاف متفکر و ... نیز پرداخته شده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اسلام سیاسی میان اصولگرایان و دنیاگروان

□ شناسنامه کتاب: اسماعیل، د. محمود، الاسلام السياسي بين الاصوليين

و العلمانيين، چاپ اول، ۱۹۹۳، مؤسسة الشراع العربي، کویت، ۱۷۴

صفحه رقی

معرفی اجمالی:

این کتاب بیشتر در پی نقد اصولگرایی اسلامی است. وی خاستگاه نظری گروه‌های طرفدار اسلام سیاسی را ایدئولوژی زندگی می‌داند. در بخش اول که تحت عنوان ادلجة التراث آمده است سلفیها چه در قالب قدیمی آن و چه در قالب نوین آن که اندیشمندانی چون حسن حنفی، عادل

* - این فصل طولانی‌ترین فصل و گفت و گوی این مجموعه را تشکیل می‌دهد (هفتاد و پنج صفحه). علی عمیم بر این باور است که احسان عباس متولد فلسطین، نمونه زنده‌ای است که به خوبی بی‌پایه بودن نزاع سنت و تجدد و قدیم و جدید و نیز مرز سنت و تجدد را نشان می‌دهد.



حسین و محمد عماره را در بر می‌گیرد مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. وی سلفیهای نوین را به دلیل معلومات آکادمیک آنها و نیز زبان روز آمد از سلفیهای قدیم خطرناکتر می‌داند. البته اندیشمندان دارای گرایش لیبرالیستی چون محمد عابد جابری، زکی نجیب محمود، ادونیس و عبدالکریم خطیبی نیز از انتقاد خفیف مؤلف مصون نبوده‌اند. وی در یک نتیجه‌گیری لیبرالهای عربی را که سنت و تراث را رد می‌کنند یا میان آن و تجدد سازگاری ایجاد می‌کنند و به اختلافات فراوان اندیشه‌ی عربی و غربی توجه ندارند دارای نقش زیادی در جا افتادن سلفی‌گری یا تبعیت از غرب می‌داند. مؤلف که به نظر می‌آید از گرایشهای مارکسیستی برخوردار است در نهایت گرایش مارکسیستی را از دیگر گرایشها موفقتر قلمداد می‌کند. افکار طیب تیزی از مارکسیستهای معروف عرب در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته است. مبنای محمود اسماعیل در بخش اول کتاب، اثری است از محمد امین العالم تحت عنوان «الوعی و الوعی الزائف فی الفكر العربی المعاصر» این اثر خود از جهان‌بینی مارکسیستی و روش ماتریالیستی، دیالکتیکی و تاریخی برخوردار است.

بخش دوم کتاب به مفهوم دولت و حاکمیت در اسلام می‌پردازد. وی دولتهای اسلامی در تاریخ اسلام را دولتهای الهی به معنای مورد نظر اصولگرایان نمی‌داند و آنها را دولتهای نظامی و دولتهای پادشاهی موروثی تقسیم می‌کند. وی برداشت اسلامگراها از دولت تشوکرانیک را مغشوش و بی‌اعتبار می‌داند.

بخش سوم کتاب به پدیده تندروری و خشونت در مصر می‌پردازد. مصری که به نظر وی همواره مظهر اسلام اعتدالی بوده است و اگر اخوان المسلمین و گروههای تندرو متأثر از آن در آن پا گرفته‌اند اما در مقابل سیدجمال‌الدین افغانی، محمد عبده، رشید رضا، طنطاوی و دیگران نیز در این سرزمین ظهور یافته است. با این همه، بروز تندرویهای دینی در این کشور نیازمند بررسی و تحلیل است که محمود اسماعیل بدان توجه کرده است.

در بخش چهارم با بحث جهان اسلام در نظر غرب روبه‌رو هستیم که دستگاههای امپریالیستی غربی را مهمترین عامل بروز پدیده تندروری دینی در جهان اسلام می‌داند و سرانجام در بخش پنجم ویژگیهای زبان و ادبیات دینی معاصر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.